

تبیین سیره سیاسی حضرت زهرا(س) در مسأله خلافت از دیدگاه

روایات و گزارشهای تاریخی

مریم ابهری^۱

چکیده

حق ولایت، خلافت و امامت هرگز سازش پذیر نیست و تنها یادگار پیامبر(ص) که در امر خلافت به حقیقت، الگوی مردان و زنان است، در این راه هیچ گونه مسامحه ای روا نداشت و از بذل مال و جان و حتی فرزند خویش دریغ ننمود. آن حضرت با باور به اینکه ولایت بنیان اسلام است و ترک آن به منزله بازگشت به کفر و ارتداد، سیاستی روشن و صریح و بی ابهام را در پیش گرفت برای روشن کردن حقیقت از استدلال عقلی و برانگیختن عواطف اصیل انسانی بهره جست. ایشان با یادآوری و تذکر، عدم بیعت با خلیفه، مقاومت درمقابل بیعت اجباری و استغاثه و... به اعلام نارضایتی از غاصبان خلافت و دفاع از مقام ولایت پرداختند.

کلید واژه: سیره سیاسی، حضرت زهرا(س)، خلافت، روایات، گزارشات تاریخی.

^۱ - دانش آموخته مقطع سطح (۲)، مدرسه علمیه کوثریه.

مقدمه

شخصیت هرکس تا حدود زیادی به جایگاه خانواده، شخصیت، اخلاق والدین و محیط نشو و نماى او بستگی دارد و شالوده و اساس شخصیت فرزند، در خانواده شکل می گیرد. بانوی بزرگ اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و همانگونه که در تاریخ گزارش شده است، پیش از ولادت حضرت زهرا (س) دستورات ویژه ای به والدین ایشان داده شد. (حاکم نیشابوری، ۱۵۶/۳؛ سیوطی، ۴/۱۴۴؛ مجلسی، ۲/۱۴۹)

از این رو این بانوی بزرگوار اسلام با تاسی از بزرگان خویش در راه دفاع از حقیقت و دین مبین اسلام حکایتها دارد. (نک: امینی، ۲۱/۲۶؛ مصطفوی و جعفری، ۱۲۱) عملکرد حضرت زهرا (س) در زندگی سیاسی و دینی نیز هم چون پدر و مادر بزرگوارشان مبتنی بر اعتقادی راسخ است. لذا در این راه از بذل هیچ سرمایه ای دریغ نمی ورزد. آنچه در این مقاله به اختصار به آن پرداخته خواهد شد، بررسی سیره عملی آن بانو به عنوان نخستین حامی و شهید ولایت است که امام عصر (عج) فرمود: «و دختر رسول خدا برای من الگویی نیکوست.» (طوسی، ۲۸۵؛ طبرسی، ۲/۴۶۷؛ مجلسی، ۵۳/۱۵۸) و این ره توشه ای است تا همگان از زن و مرد نقش خود را در مسائل کلان و اساسی اجتماع با تاسی به سیره فاطمی بیاموزند و بدانند دفاع از ولایت بر حفظ جان و مال و فرزند اولویت دارد و به فرموده قرآن کریم آن جا که اصل دین در معرض خطر است: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَافٍ» (سبا، ۴۶) یعنی دو تا و یک یک برای خدا به پا خیزید. و براساس این سیره، هیچ عذر و تقصیری پذیرفتنی نیست.

۱-اصطلاح شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی، ضروری است در ابتدا به توضیح واژگان مهم پرداخته شود.

۱-۱ سیره

کلمه «سیره» اسم مصدر از ماده «سیر» و بر وزن «فعله» است، که در زبان عربی بر نوع دلالت می‌کند؛ برای مثال، «جلسه» به معنای نشستن، ولی «جلسه» به معنای سبک و نوع نشستن می‌باشد؛ بنابراین «سیر» یعنی رفتار، ولی «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار است. سیره در اصطلاح، یعنی استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی و اگر مراد از مردم (ناس) همه عقلا باشد، این سیره را سیره عقلا و اگر همه مسلمین یا پیروان مذهب و یا گروهی خاص از مسلمانان باشد آن را سیره متشرعه می‌نامند. (طباطبایی حکیم، ۱۹۹).

۱-۲ روایت

روایت در لغت به معنای حمل است؛ چنان‌که گویند: «رَوَى الْبُعَيْرُ الْمَاءَ»؛ شتر آب را حمل کرد و به شخص سیراب به‌خاطر آشامیدن آب «ریان» می‌گویند. (فیومی، ۲/ ۲۴۶؛ طریحی، ۱/ ۱۹۸-۱۹۹) همچنین به معنای داستان، قصه و نمایش‌نامه نیز آمده است. (بستانی، ۴۴۶) و به روز هشتم ذی الحجه بدین جهت که حاجیان برای عزیمت به عرفات آب حمل می‌کنند، یوم الترویة گفته شده است. (طریحی، ۱/ ۱۹۶)

در اصطلاح علم حدیث‌شناسی، روایت مترادف با معنای حدیث می‌باشد و همان حوزه معنایی حدیث درباره روایت نیز جاری است. هر چند که اصطلاح روایت کاربرد کمتری نسبت به حدیث دارد و به حدیث از آن جهت روایت گفته شده است که گفتار، فعل یا تقریر معصوم را نقل یا حمل می‌کند. راوی حدیث نیز در حقیقت حامل حدیث است. (نصیری، ۱/ ۳۰)

۲- عملکردهای حضرت زهرا (س) در مقابله با جریان غصب خلافت

در مهمترین و حیاتی ترین اصل اسلامی یعنی ولایت و جانشینی پیامبر (ص) که خداوند در قرآن خود از آن به تکمیل دین و اتمام نعمت تعبیر می نماید، (المائدة، ۳) این بانوی بزرگوار پیشگام شدند. آن حضرت برای مبارزه با غاصبان خلافت عملکردهای گوناگونی در پیش گرفتند. آن بانو در سایه حیات عقلی، خویشتن را مسئول نشان دادن راه به مردم و در سایه حیات احساسی، خود را مسئول راه اندازی ایشان و شورآفرینی در آنان برای سرعت سیر در راه هدف، می داند. (قائمی، ۱۵) حال می توان عملکرد ایشان را در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی نمود.

۲-۱ عملکرد سیاسی

مشى سياسى حضرت زهرا (س) مشى برانگيختن مردم عليه دستگاه غاصب و استنصار از اهل مدینه، اعتراض، محاکمه و استيضاح خليفه غاصب، احتجاج، توبيخ، بی اعتنائی، حضور بر مزار شهدای صدر اسلام و بازگویی وقایع آن دوره، ابراز مظلومیت و... است. لذا می بینیم حضرت زهرا (س) با در نظر گرفتن دو بُعد احساس و منطق انسان از ابزارهای گوناگونی برای روشن کردن اذهان و ایجاد بصیرت بهره می جوید.

به عنوان مثال، پیامبر(ص) در مورد دختر گرامی خود فرمود: « فمن رضیت عنه ابنتی رضیت عنه و من رضیت عنه رضی الله عنه و من غضبت علیه فاطمه غضبت علیه و من غضبت علیه غضب الله علیه؛ کسی که دخترم [فاطمه] از او راضی باشد، من از او راضی هستم و کسی که من از او راضی باشم، خدا از او راضی است و کسی که فاطمه بر او غضب نماید، من بر او غضبناک می باشم و هر کس که من بر او غضبناک باشم، خداوند بر او خشم می گیرد. (طبری، ۴۵؛ دیلمی، ۲/ ۲۴۹؛ مجلسی، ۲۷/ ۱۱۶).

با توجه به این حدیث روشن می شود رضا و غضب حضرت زهرا (س) براساس معیار حق است، لذا بی اعتنائی و عدم رضایت ایشان نسبت به یک فرد، اعتبار آن شخص را زیر سؤال

خواهد برد و برهمین اساس است که شیخین در درخواست عیادت از آن بانو پافشاری می کنند. زیرا با طرد شدن از ناحیه حضرت زهرا (س) در حقیقت مورد خشم خدا و پیامبر (ص) قرار می گیرند و این موضوع برای شیخین در افکار عمومی آثار سوئی به دنبال خواهد داشت. دیگر آنکه حضرت زهرا (س) نهایت توان خود را در دفاع، مبذول می نماید، هر چند ظاهراً به بن بست می خورد و در نهایت، گریستن و ندبه و اعتصاب سخن را برمی گزیند و این برای آنان که اهل تعقل اند، سؤال برانگیز خواه د بود که چرا فاطمه (س) علیرغم قدرت روحی و ایمان بی مانند و سرآمدی در حلم و صبر به گریه متوسل میشود؟ (قائمی، ۱۰۵) وصیت آن حضرت در باب تشییع و تدفین شبانه و سرّی و مخفی ماندن محل دفن نیز تداوم مبارزه بعد از رحلت است و رسوائی عظیمی را برای دستگاه خلافت به بار آورد.

۲-۲ عملکرد اقتصادی

به گواهی مفسران شیعه و اهل سنت، بعد از نزول آیه ۲۶ سوره شریفه الاسراء پیامبر اکرم (ص) فدک را که بدون هیچ جنگی نصیب مسلمانان شده بود، به فاطمه (س) بخشید. (بحرانی، ۳/ ۵۲۱؛ زحیلی، ۱۵/ ۵۱؛ سیوطی، ۴/ ۱۷۷) نکته حائز اهمیت آن که پیامبری که میل نداشت دخترش پرده پشیمی در اتاقش آویزان نماید یا دستبندی نقره به دست فرزندانش ببندد یا گردنبندی به گردن بیافکند، چرا مزارع سنگین قیمت فدک را به فاطمه (س) بخشید؟ در مورد علت این قضیه می توان گفت پیامبر (ص) از سوی خداوند مأمور بود حضرت علی (ع) را به جانشینی تعیین کند. رسول خدا (ص) به خوبی آگاه بود که اگر حضرت علی (ع) و خاندان او در مضیقه مالی باشند، توان سیاسی آنها تحلیل می رود و با توجه به کینه های اقوام عرب نسبت به علی (ع) در امر امامت ایشان کارشکنی خواهند کرد. آن حضرت میدانست برای ادامه راه اسلام و اداره امت، به بودجه نیاز است تا با صرف آن برای جامعه به ویژه نیازمندان، دلها به سوی علی (ع) متمایل گردد. لذا بخشیدن فدک به فاطمه (س) پشتوانه ای

خطبه فدک آیه ۱۸ سوره مبارکه یوسف را تلاوت فرمود: «کَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلًا وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُونَ؛ بلکه نفس شما کاری را برای شما آراسته است. پس اینک صبری نیکو (بهتر است) و بر آنچه توصیف می کنید از خداوند یاری می خواهم»

و صبر اختیار نمود، همانطور که پدر در آخرین ساعات حیات پر برکت خود از آینده خبر داد و سفارش نمود: «لکم الله فتوکل علیہ و اصبری کما صبر آبائکم من الانبیاء و أمهاتکممن أزواجهم؛ به خداوند توکل کن و صبر پیشه ساز همانطور که پدران پیغمبرت و مادرانت که همسران آنها بودند، صبر و بردباری نمودند. (فرات، ۴۶۵)

۳-۶ گریستن های پیایی حضرت زهرا (س)

براساس احادیث یکی از بکائین تاریخ، حضرت زهرا (س) است. این ندبه ها و زاری های طولانی و مداوم، همسایگان را به ستوه آورد و خدمت علی (ع) آمدند و گفتند: سلام ما را به فاطمه برسان و بگو یا شب بگرید یا روز که از ما سلب آسایش کرده است. در پی این اتفاق، فاطمه (س) روزها بر سر مزار رسول خدا (ص) و مزار شهدا در بقیع می رفت و مبارزه منفی با غضب خلافت را با شکواییه و مرثیه سرائی در آن جا ادامه داد. (کلینی، ۸ / ۱۹۹؛ مجلسی، ۴۳ / ۴۷ و ۱۷۷)

این گریستنها که همراه با سخنانی تأمل برانگیز بود، مردم را به این سؤال وا می داشت که چرا فاطمه اینقدر گریه می کند و چرا با گذشت زمان مصیبت پدر را فراموش نکرده است؟!

۳-۷ اعتصاب سخن و اعلام نارضایتی از غاصبان خلافت

گفتار و رفتار رسول اکرم (ص) نسبت به حضرت زهرا (س) در دوران حیات آن حضرت، حاکی از جایگاه والای آن بانو نزد خدا و رسول اوست و بر هرکس روشن است که خشنودی و خشم حضرت زهرا (س) که تربیت شده مکتب نبوی است، برخاسته از احساسات بی پایه و گذرا نیست بلکه براساس حق است. در جریان احتجاج، پیرامون موضوع فدک و خلافت

پیامبر(ص)، بعد از آنکه ناتوانی خلیفه غاصب در مقابل منطق قرآنی حضرت زهرا (س) آشکار شد و خلیفه، زبان به اهانت باز کرد. آن حضرت اعتصاب سخن و روگردانی از ظالمان را برگزید، در حالیکه همگان از این حدیث نبوی آگاه بودند که: « من آذی فاطمه فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله عزوجل؛ کسیکه فاطمه را اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هر که مرا بیازارد، خداوند بلندمرتبه را آزرده است. (طبرسی، ۱۴۹) همین موضوع موجب شد تا خلیفه و همراهان برای عیادت و صلح با دختر پیغمبر پافشاری کنند. اما عملکرد آن حضرت کار را یکسره کرد و هنگامی که با وساطت امیرالمؤمنین (ع) اجازه ملاقات گرفتند، صورت از آنها برگرداند و با طرح سؤالی، بار دیگر موضع خویش را اعلام نمود. ابتدا از آنها خواست به صحت این حدیث شریف اعتراف کنند: « فاطمه بضعة منی فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله؛ فاطمه پاره تن من است، کسی که فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است و هر که مرا بیازارد، خداوند بلندمرتبه را آزرده است.» سپس دست به آسمان برداشت و شکایت آنها نزد پیامبر و خداوند کرد و از آنها اعلام برائت نمود. (سلیم بن قیس هلالی، ۸۶۹؛ صدوق، ۱/ ۱۸۷؛ مجلسی، ۴۳/ ۱۷۱) علمای اهل سنت نیز به این موضوع معترف هستند که: «فهجرت فاطمه و لم تکلمه فی ذلک حتی ماتت؛ فاطمه از او روبرگرداند و با او تا زمان مرگ سخن نگفت.» (ابن شهر آشوب، ۳/ ۳۶۲؛ ابن ابی الحدید، ۶/ ۴۶؛ دروزه، ۷/ ۵۵)

۳-۸ وصیت نامه سیاسی

سفارش حضرت زهرا (س) به تدفین شبانه و عدم حضور برخی افراد در مراسم تشییع و تدفین پیکر مطهرش، حاکی از مبارزه ای دامنه دار و عمیق به وسعت تاریخ است. به گونه ای که صحابه دیروز و مسلمانان امروز در واکاوی این که چرا دختر پیامبر(ص) نسبت به امت پدر خود چنین وصیتی می نماید، به حقیقت پی ببرد.

۴- نتیجه گیری

در توقیع شریفی از امام عصر (ع) از دختر پیامبر (ص)، حضرت زهراى مرضیه (س) به عنوان اسوه حسنه یاد شده است حال آنکه قرآن کریم این ترکیب را برای پیامبر اکرم (ص) به کار برده است. در تحلیل برخی کارشناسان چنین آمده است که منظور امام در این توقیع شریف، اسوه بودن زهراى مرضیه (س) در موضوع ولایت است. تحلیل عملکرد سیره صدیقه طاهره (س) نشان می دهد حمایت حضرت فاطمه (س) از دو جهت کامل است و در دفاع از مقام امامت و جانشینی پیامبر (ص) م ی توان به این سیره، تأسی جست از آن جهت که دو بعد اصلی انسان اعم از عقل و احساس را به حرکت وا می دارد و از آن جهت که از مال و فرزند و جان می گذرد، یعنی تمام آنچه خداوند، مایه امتحان بشر قرار داده است و آدمی به سبب زمینی بودن خود به آنها تعلق خاطر دارد در این جایگاه رنگ می بازد و باید در طبق اخلاص و در پیشگاه امام معصوم قربانی کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب (ع)**، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. امینی، ابراهیم، **بانوی نمونه اسلام**، قم، حوزه علمیه، ۱۳۴۹ ش.
۴. بحرانی، سیدهاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۵. بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، **فرهنگ ابجدی عربی - فارسی**، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۶. حاکم نیشابوری، **مستدرک علی الصحیحین**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۱ ق.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۸. دیلمی، حسن بن محمد، **إرشاد القلوب إلی الصواب**، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۹. دینوری، ابن قتیبه، **الامامه و السیاسه**، مصر، مطبعه النیل، ۱۳۲۲ ق.
۱۰. زحیلی، وهبه بن مصطفی، **التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. شوشتری، قاضی نورالله، **الصوارم المهرقه**، تهران، چاپخانه نهضت، ۱۳۶۷ ق.
۱۳. صدر، محمد باقر، **فدک فی التاریخ**، بیروت، الدار العالمیه، ۱۹۸۷ م.
۱۴. صدوق، **علل الشرائع**، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.

۱۵. طباطبائی حکیم، محمد تقی، *الاصول العامة للفقہ المقارن*، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۱۵ق.
۱۶. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامه*، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۱۸. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تحقیق: حسینی، سیداحمد، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. غروی نائینی، نهله، *محدثات شیعه*، تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹ش.
۲۱. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم، منشورات دار الرضی، بی تا.
۲۳. قائمی، علی، *در مکتب فاطمه (ع)*، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۳ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۲۵. مجلسی، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. مصطفوی (خمینی)، فریده و جعفری، فاطمه، *فاطمه (س) احیاگر شخصیت زن*، مقدمه محمدباقر شریعتی سبزواری، قم، اجر، ۱۳۸۵ش.
۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. نصیری، علی، *حدیث شناسی*، قم، انتشارات سنابل، ۱۳۸۳ش.
۲۹. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم، انتشارات هادی، ۱۴۰۵ ق.